

یادداشت

O P I N I O N



احمد رضا خزاعی

مدیر کل امور اتباع  
سازمان تامین اجتماعی

## کارگران مهاجر می‌توانند بیمه شوند

نیازهای تامین اجتماعی کارگران مهاجر در قالب مساعدت‌ها و بیمه‌های اجتماعی دغدغه‌ای جدید نیست، اما با توجه به اینکه در حال حاضر تعداد این قبیل کارگران به شدت افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود این روند همچنان تداوم داشته باشد، موضوع بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است.

یک دلیل برای توجه این روند این است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته امروزه شاهد کاهش نیروی کار هستند. به‌طور کلی جمعیت در این کشورها رو به سالمندشدن است و نرخ باروری به شدت کاهش یافته است. در مقابل، جمعیت نیروی کار در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته که این کشورها قادر به جذب این جمعیت قابل توجه نیستند. به‌علاوه تفاوت‌های اقتصادی و شرایط زندگی بین کشورها، جریان فرایند مهاجران را از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته شکل داده‌اند.

براساس آمار رسمی اخذشده از وزارت امور خارجه، بالغ بر ۳/۵ میلیون ایرانی در سراسر دنیا در قالب نیروی کار، پناهنده، دانشجوی دانش آموز باوالدین، مستمری‌بگیر و... باتوزیع سنی متفاوت و در طیف گسترده‌ای از کشورهای برخوردار، حاشیه خلیج فارس و... پرکنده هستند. از این تعداد، بالغ بر ۵۰ درصد در آمریکای شمالی، ۱۶ درصد در کشورهای همسایه و حوزه خلیج فارس و حدود ۲۸ درصد در کشورهای اروپایی حضور دارند.

به‌طور کلی به‌دلیل وجود تفاوت در نظام‌های تامین اجتماعی کشورهای مختلف، در بسیاری از موارد حقوق کارگران مهاجر تقسیم می‌شود و گاهی از حمایت‌های اجتماعی محروم می‌شوند، از این‌رو لزوم وجود هماهنگی در قوانین و نظام‌های مختلف تامین اجتماعی به‌عنوان مولفه‌ای مهم در جابه‌جایی آزاد نیروی کار احساس شده است. با توجه به ضرورت حفظ حقوق تامین اجتماعی مهاجران، راهکارها و تدابیر مختلفی اتخاذ شده که از جمله آن‌ها می‌توان به انعقاد توافق‌نامه‌های دو یا چندجانبه میان سازمان تامین اجتماعی و نهادها و سازمان‌های مرتبط اشاره کرد. همچنین جهت حفظ حقوق تامین اجتماعی کارگران مهاجر راهکارهایی نظیر الزام شرکت‌ها و موسسات اعزام‌کننده نیروی کار به خارج از کشور برای بیمه کردن نیروهای کار، بیمه‌پردازی به‌صورت اختیاری برای اتباع ساکن و شاغل در دیگر کشورها در دستور کار قرار گرفته است.

بر همین اساس، ضمن توجه به موضوع انعقاد توافق‌نامه تامین اجتماعی با سایر کشورها در جهت حفظ حقوق و سوابق بیمه‌ای که در حال حاضر با تعدادی از کشورها از جمله ترکیه و کره جنوبی در جریان است، ایرانیان خارج از کشور اعم از ساکنان، دانشجویان و شاغلان مطابق با آیین‌نامه بیمه ایرانیان خارج از کشور، مصوب سال ۱۳۹۳، وفق تبصره (۳) ماده (۴) قانون تامین اجتماعی می‌توانند در صورت تمایل، اقدام به بیمه‌پردازی و تکمیل سوابق بیمه‌ای خود کنند (ماهیت اختیاری)...

ادامه در صفحه ۱۱

## اشتغال ۱۴۰ هزار کارگر در بنگاه‌های مشکل دار

به پایان اسفند ماه سال ۹۷ کاهش یافته و از ۱۳۵۱ بنگاه در اسفند ۹۷ به ۱۲۶۲ بنگاه رسیده است. «کریم یآوری در گفت‌وگو با «پلنسا»، با بیان اینکه تعداد بنگاه‌های مشکل دار در سه ماهه اول سال جاری نسبت به پایان اسفند سال ۹۷، کاهش یافته و از ۱۳۵۱ بنگاه در اسفند ۹۷ به ۱۲۶۲ بنگاه مشکل دار رسیده، گفت: «تعداد کارگران در بنگاه‌های مشکل دار حدود صد و چهل هزار نفر است.» وی افزود: «وزارتخانه‌های صادرکننده مجوز برای بنگاه‌های اقتصادی

مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، گفت: «تعداد بنگاه‌های مشکل دار در سه ماهه اول سال جاری نسبت



باید در حل و فصل مشکلات بنگاه‌ها اهتمام بورزند. کارفرمایان، سهام‌داران، مدیران و کارآفرینان باید نسبت به حل مشکلات بنگاه‌های تحت مسئولیت خود اقدام و رفع مشکل کنند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌دلیل صیانت از نیروی کار، حفظ حیات اقتصادی بنگاه‌ها و پایداری تولید و تثبیت اشتغال اهتمام ویژه نسبت به پیگیری و حل و فصل مشکلات بنگاه‌های اقتصادی دارد.» یآوری اعلام کرد: «در سه ماهه اول سال جاری با حمایت از حدود بیش

از چهار صد و هفتاد بنگاه، حدود صد هزار فرصت شغلی تثبیت شده است.»

مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری اعلام کرد: «کارگروه‌های تسهیل و رفع موانع تولید در استان‌ها در شرایط اقتصادی فعلی باید بیش از پیش در حل و فصل مشکلات بنگاه‌ها اهتمام کنند و حتی المقدور جلسات کارگروه‌ها با حضور ذی‌نفعان در محل بنگاه‌های اقتصادی مشکل‌دار برگزار و نسبت به حل و فصل مشکلات به‌صورت میدانی و عملیاتی اقدام شود.»

# کارگرانی پشت نقاب گردشگر

گزارشی میدانی از روزگار کارگران ایرانی در شهرهای اربیل و سلیمانیه عراق



سر کارگرها می‌رساند. ساعت کار که تمام می‌شود لباس‌های قرمز سرهمی جایشان را به همان لباس‌های کردی تیره و روشن می‌دهد. عده‌ای مسیر خانه‌ای در حومه سلیمانیه را در پیش می‌گیرند و تعدادی سعی دارند خودشان را به مسافرخانه «خالد» کمی دورتر از میدان سلیمانیه برسانند.

«خالد» حالا کمی فارسی یاد گرفته، چون بیشتر مسافران به غیر از یکی، دو نفرشان که سوری هستند، بقیه ایرانی‌اند. هر اتاق برای ۵ مسافر است و هر مسافر شبی چهار هزار دینار به دخل «خالد» اضافه می‌کند؛ نزدیک به چهل هزار تومان خودمان. «سیروان» و «آرشین» هم اتاقی‌اند. «بوی چوب زنده‌ام می‌کند.» «آرشین» با چوب کار می‌کند. پنجره‌های کوچک و بزرگی که به درد کافه‌ها می‌خورد را درست می‌کند و می‌فروشد. در مریوان از هر پنجره ۵۰ هزار تومان سود می‌کرده و حالا در عراق هر پنجره را ۳۰۰، ۲۰۰ و حتی ۵۰ هزار دینار می‌خرند. اسماعیل هم در همین مسافرخانه کار می‌کند. اسماعیل که هزارگاهی از مسافرخانه بیرون می‌زند، بیشتر اوقات سرش به واکس‌زدن گرم است. مردی میانه‌سال که بیکاری و واکس‌زدن را راهی سلیمانیه‌اش کرده؛ «هیچ کاری جز واکس‌زدن بلد نیستیم. پیر شده‌ام و جان کارهای سخت را هم ندارم برای همین واکسی شده‌ام. در کردستان هر کفش را دوهزار تومان واکس می‌زنم، اینجا ۵۰۰ دینار.» سیروان‌ها و اسماعیل‌ها را با تنهایی و خستگی که به جان دارند، تنها می‌گذارم، اما چهره‌های سوخته و چشمان ناامید تک‌تک‌شان، نُن صدای سیروان که گفت: «خوش به حالش راحت شد» را فراموش نخواهم کرد و تنها راه چاره‌ام برای فرار از سنگینی این همه غریبی و خستگی، امید بستن به روزهایی است که سیروان‌های این مرزوبوم آرزوی زندگی سایه، کمی خودش را به روی ساختمان و

حقوق خوبی هم می‌گیرند؛ به دینار و دلار. اوایل، پول کارگرها را هم به دینار و دلار می‌دادند، اما کارگر که زیاد شد به تومان حقوق می‌دهند. اگر در ایران، دستمزد برای نمای سنگ‌کاری، متری ۱۰ هزار تومان است، در عراق همین کار، متری ۱۰ هزار دینار است که می‌شود حدود ۱۰۰ هزار تومان؛ آنجا کارگران روزمزد هم روزی ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان درآمد دارند؛ استادکار، روزی ۴۵۰ هزار تومان که پول خوبی است، البته تعداد کارگرها زیاد شده و از بوکان ارومیه هم برای کارگری می‌آیند، اما از سنجند کمتر است. در روزنامه‌ای خواندم نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر در این دو سال رفقه‌اند عراق برای کار.»

در میان آجر و سیمان و مصالح یک‌رنگ و خسته‌کننده، جوانانی بسا لباس‌های سرهمی قرمز رنگ، چشم‌ها را به مهمانی رنگ‌ها می‌برند تا کمی از آن یکنواختی آسوده شوند؛ لباس‌هایی شبیه به کارگران خارجی فیلم‌های قدیمی یا شبیه کارگران خودمان در عسلویه روی دکل‌ها. هیچ‌کس در جنگ تن‌به‌تن با گرما پیروز نیست و گویی قرار نیست هُرم گرما به این زودی‌ها دیده‌اش از سر کارگرها بردارد. وقت ناهار رسیده و هیچ‌کدام نای رساندن خودشان به زیر خنکایی را ندارند و همان‌جا زیر طاق ورودی ساختمان، پهن زمین می‌شوند. غذایشان مختصر و ارزان است. «بیشترمان از اغذیه‌فروشی‌های مخصوص کارگرها غذا می‌خریم؛ هم کارگران عراقی و هم ایرانی. غذاهایشان ارزان است و با جیب کارگرها جور درمی‌آید.»

وقت ناهار، فرصت خوبی است تا نفسی تازه کنند و جانی بگیرند برای ادامه کار. ناهار که تمام می‌شود در چشم برهم زدنِ همگی پراکنده می‌شوند، چندتایی روی داربست‌ها رفقه‌اند، یکی ملات درست می‌کند و آن یکی، بلوک‌ها را روی هم می‌چیند. چندساعتی به همین منوال می‌گذرد و سایه، کمی خودش را به روی ساختمان و

و ۲۸ روز می‌مانیم، اما آن‌ها در همان شهر «پنجوبین» نزدیک مرز می‌مانند برای کارگری با درآمدهای خیلی پایین. «از میدان که فاصله می‌گیرید، قلمرو ساختمان‌های نوساز و نیمه‌کاره شروع می‌شود؛ ساختمان‌هایی که قرار است شهرک‌های بزرگ و کوچک را کنار هم قطار کنند و پُر شوند از زن و مرد، پیر و کودک و سرشار از زندگی. اما برای شنیدن صدای زیربوم زندگی در کوچه‌پس‌کوچه‌های این شهرک‌ها کمی زود است. گوش که تیز می‌کنید در میان هیاهوی کامیون‌ها، به‌هم‌خوردن تیر آهن‌ها و بلوک‌ها و خش‌خش چرخ فرعون‌های سنگین از بار، نجوای زبان کردی کارگرها تنها نشانه آشناست از هم‌خون یا هم‌محله بودن این غریبه‌ها.

«تنها آن‌ها در خانه‌ام و برای لقمه‌ای نان، مجبورم از ۷ صبح تا ۷:۳۰ بعدازظهر روی این میله‌های داغ بالا و پایین بروم، البته بعضی روزها ۱۲ ساعت کار می‌کنم.» داستان بیشترشان نشان از رد پای سیاه بیکاری و کولبری دارد و شاید برای فرار از این همه سیاهی است که تمام ساعات و لحظات جوانی‌شان را خرج این ساختمان‌های آجری و زمخت می‌کنند.

اگر عربی بلد بودند در شهرهای دیگر عراق برایشان کار بود، اما همگی راهی سلیمانیه و اربیل می‌شوند؛ مناطق کردنشین عراق و برای همین اگر آشنا نداشته باشند از پیداکردن برایشان سخت می‌شود و حتی ممکن است کارفرما پولشان را ندهد. «بیشتر استادکارهای مریوان، کردستان و... آمده‌اند عراق. مصالح گران است و کار هم نیست و اگر به هزار زحمت دوست و آشنا، کاری هم پیدا کنید باید مزد چند سال پیش را بگیرید. دای خودم برقرار بود و الان در اربیل کار می‌کنم. اوضاع صنعت کارها بهتر از کارگراست، چون قبل از اینکه بیایند عراق، کار و محل زندگی‌شان معلوم است. عراق الان به صنعت کارها خیلی نیاز دارد و

لباس کردی روشن و تیره، چهره‌های آفتاب‌سوخته، چشمانی غم‌بار و دستانی پینه‌بسته و البته جوانی، وجه مشترک مردانی است که تلخی غربت را به جان خریده و راهی عراق شده‌اند. قرار صبحگاهی‌شان میدان سلیمانیه است؛ میدانی که دو سالی می‌شود با جوانان کولبر دیروز و کارگرهای ساختمانی امروز، اخت شده و دیگر با آن‌ها غریبه نیست. دور تادور میدان چمباتمه زده‌اند. بعضی‌ها دستانشان را زیر چانه زده‌اند و حوصله حرف‌زدن ندارند. چندتای دیگر دستمالی روی سرشان انداخته‌اند تا از آفتاب درامان باشند و یکی، دوتای دیگر کمی آن طرف‌تر گرم حرف‌زدن هستند، اما بیشترشان

زیر چشمی نزدیک و دور شدن ماشین‌ها را می‌پایند و همه امیدشان فقط این است که قرعه یک روز کارگری به نام‌شان بیفتد، البته خوش‌شانس‌ها قرعه چند روز کار به نام‌شان زده می‌شود و نیاز نیست هر صبح زیر آفتاب سلیمانیه چشم‌پیره‌کار بمانند. قدیمی‌ها، تازه‌واردها را به حوصله کردن دعوت می‌کنند و از سختی کاری که در انتظارشان است، می‌گویند. «گلایه کردن اینجا ممنوع است. تنها باید ساکت بود و جان‌کند و مزد گرفت.»

«سیروان» بار پنجم است توریستی به عراق آمده و قرار است ۲۸ روز آینده را روی داربست‌ها بالا و پایین برود و میلگردها را به دوش گرفته و ۷:۳۰ طبقه را در دمای بالای ۴۰ درجه، زیر پا بگذارد. «از وقتی خودم را شناختم هم‌پای پدرم، کولبری کرده‌ام و حالا شده‌ام کارگر ساختمانی. بیشتر جوانانی که اینجا می‌بینید از کولبری خسته شده‌اند و دیگر تاب دلشوره‌های شبانه و گذر از پیچ‌وخم کوه‌ها ندارند. کار، سخت است، اما اگر حوصله به‌خرج دهید روزی ۳۰۰ هزار تومان نصیب‌تان می‌شود، البته شرایط ما بهتر از کسانی است که پاسپورت ندارند، چون ما توریستی می‌ایم



لیلا مهداد

خبرنگار

در میان آجر و سیمان و مصالح یک‌رنگ و خسته‌کننده، جوانانی با لباس‌های سرهمی قرمز رنگ، چشم‌ها را به مهمانی رنگ‌ها می‌برند تا کمی از آن یکنواختی آسوده شوند؛ لباس‌هایی شبیه به کارگران خارجی فیلم‌های قدیمی یا شبیه کارگران عسلویه روی دکل‌ها

یادداشت

O P I N I O N

## معامله برد-برد...

ادامه از صفحه ۳

... در بند «الف» یعنی «واگذاری و مولدسازی دارایی‌های دولت توسط وزارت اقتصاد» می‌تواند آثار و منشآت مثبت زیادی برای دولت، مردم و سازمان تامین اجتماعی داشته باشد به این شکل که:

الف- دولت با تهاتر دارایی‌ها و اموال و سرمایه‌های مشمول واگذاری به سازمان تامین اجتماعی اولاً به وظایف قانونی خود و الزامات قوانین برنامه توسعه ششم و بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور جامه عمل پوشانده و ثانیاً دچار بدهی‌های موققه و اطلاق سود به آن‌ها نمی‌شود.

ب- چنانچه این تهاتر از محل واگذاری سهام دولتی صورت گیرد، با توجه به اینکه شرکت‌های واگذار شده مشمول مالیات می‌شوند، به‌ویژه آنکه مشمول مالیات بخش خصوصی می‌شود، باعث افزایش یابد.

ج- نظر به اینکه تجربه نشان داده، غالب واگذاری‌ها به بخش خصوصی بلافاصله منجر به تعطیلی فعالیت و اخراج کارگران و کارکنان و فروش املاک مرغوب آن‌ها شده است، ولی در واگذاری‌های انجام‌شده به سازمان تامین اجتماعی این قبیل اتفاقات حادث نشده است، لذا واگذاری تهاتری اموال به سازمان تامین اجتماعی منجر به تضمین تداوم فعالیت، رونق و تولید این قبیل شرکت‌ها شده و از بروز بحران‌هایی نظیر شرکت‌های هفت تپه، هپکو و... پیشگیری می‌شود.

د- اگر واگذاری و مولدسازی از محل تهاتر دارایی‌ها و اموال را کد و بلااستفاده دولت بسا مطالبات سازمان تامین اجتماعی صورت گیرد، سازمان تامین اجتماعی با به جریان انداختن پروژه‌های سرمایه‌گذاری و تبدیل به احسن آن‌ها نه تنها باعث رونق تولید و... می‌شود، بلکه پروژه‌های مزبور و شرکت‌های مجری آن‌ها با پرداخت مالیات به افزایش درآمد‌های دولت کمک می‌کنند در حالی که راکد ماندن آن‌ها باعث تحمیل عدم‌النفع به دولت می‌شود.

به‌طور مثال، اگر یک میدان نفتی یا گازی یا معدن به سازمان تامین اجتماعی واگذار شود، سازمان با مشارکت سرمایه‌گذار بخش خصوصی یا خارجی، سرمایه مزبور را به جریان انداخته و وارد گردونه رونق و تولید می‌کند و این مبادلات مالی، هم منجر به رونق تولید می‌شود و هم به افزایش درآمد‌های مالیاتی دولت.

ه- اگر واگذاری و مولدسازی از محل املاک و مستغلات مازاد بر نیاز دولت باشد نیز سازمان تامین اجتماعی با اجرای پروژه‌های اداری، درمانی و سرمایه‌گذاری (انبوه‌سازی مسکن و...) روی این املاک به رونق تولید و افزایش درآمد‌های مالیاتی دولت کمک می‌کند. نتیجه آنکه به‌نظر می‌رسد، «استفاده از سازوکار مولدسازی دارایی‌های دولت» برای بازپرداخت و تهاتر مطالبات سازمان تامین اجتماعی از دولت یک انتخاب برد-برد برای دولت خواهد بود به‌ویژه آنکه این فرایند منجر به تقویت پایداری مالی سازمان تامین اجتماعی و بالمال تقویت، تداوم و استمرار خدمات‌رسانی به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی خواهد شد که نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند.